



نام و نام خانوادگی:

زمان برگزاری: ۹۰ دقیقه



نام آزمون: فلسفه ۱۲ درس ۴ تشریحی

تاریخ آزمون:



۱ علت تامه را تعریف کنید.

۲ شعر زیر کدام معنی اتفاق را رد می کند؟

فعل تو که زاید از جان و تنت همچو فرزندت بگیرد دامت

۳ در معنای سوم اتفاق (نفی غایتمندی کلی) فلاسفه به دو دسته تقسیم شده اند. نظر آنها را به صورت مختصر با هم مقایسه کنید.

۴ با انکار کدام اصل کار دانشمندان علم تجربی بیهوده خواهد بود؟

۵ ما از اصل سنخیت چه درمی یابیم؟

۶ همه فیلسوفان اتفاق را انکار می کنند.

۷ معنای اول اتفاق نفی، است.

۸ اصل سنخیت در جهان برقرار می کند.

۹ راننده با تکیه بر کدام اصل فلسفی اتومبیل خود را به جلو هدایت می کند؟

۱۰ اصل وجوب بخشی علت به معلول جهان را تابع نشان می دهد.

۱۱ مهم ترین کتاب فلسفی ابن سینا کتاب است.

۱۲ چه نقدی بر نظر فیلسوفانی که در عین انکار خداوند معتقد به غایتمندی جهان و انسان هستند، وارد است؟ توضیح دهید.

۱۳ چرا برخی مردم گاهی فکر می کنند که در بعضی موارد در عین وجود علت، معلول آن پدید نیامده است؟

۱۴ «علت تامه» و «علت ناقصه» را تعریف کنید.

۱۵ کدام دسته از فیلسوفان «اتفاق» را به معنای «نفی غایتمندی» قبول ندارند؟ نظر آنها را شرح دهید.

۱۶ به هر یک از عواملی که در پدید آمدن یک معلول دخالت دارند، علت می گویند.

۱۷ اگر معنای دوم اتفاق را بپذیریم (که از هر علتی هر معلولی پدید می آید)، چه رخ خواهد داد؟

۱۸ تفاوت علت تامه و ناقصه را با یک مثال توضیح دهید.

۱۹ سه معنای اتفاق چیست؟

۲۰ تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط می باشد.

الف از نظر دموکریٹوس، برخورد اتفاقی ذرات ریز سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیای فعلی در جهان شده است.





پاسخنامه تشریحی

۱) مجموعه عوامل پدید آمدن معلول را علت تامه گویند.

۲) وجوب علی و معلولی (اولین معنی اتفاق) (اولین اتفاق : وجوب علی و معلولی)

۳) الف) آن دسته از فلاسفه که علاوه بر لوازم «اصل علیت» به «علت‌العلل» معتقدند و برای مجموعه هستی یک علت حقیقی قائلند. آنها می‌گویند که هر فرآیند طبیعی و هر سیر تحولی در طبیعت، هدف خاصی را تعقیب می‌کند و سرمنزلی تعیین شده دارد، ولو اینکه انسان‌ها به علت محدودیت علمی نتوانند همه این اهداف را کشف کنند.
ب) آن دسته از فیلسوفان که به علت‌العلل معتقد نیستند، غایتمندی زنجیره حوادث را انکار می‌کنند و وجود برخی از فرآیندهای تکاملی را در جهان امری اتفاقی به حساب می‌آورند که از پیش تعیین و پیش‌بینی نشده است.

۴) با انکار اصل دوم (سنخیت) حتی نمی‌توان دانشمندان را به کشف علل پدیده‌ها دعوت کرد.

۵) در می‌یابیم که این اصل نظم خاصی را در جهان برقرار می‌کند و به ما می‌فهماند که هر چیزی نمی‌تواند منشأ هر چیزی باشد و هر چیزی از هر چیزی پدید نمی‌آید. علت‌های خاص معلول‌های خاص دارند و هر معلولی نیز از علت خاص خود سرچشمه می‌گیرد.

۶) همه فیلسوفان معنای اول اتفاق را انکار می‌کنند.
(معنای اول = نفی ضرورت)

۷) معنای اول اتفاق نفی، ضرورت است.

۸) اصل سنخیت نظم خاصی در جهان برقرار می‌کند.

۹) بر اساس اصل وجوب بخشی علت به معلول

۱۰) اصل وجوب بخشی علت به معلول جهان را تابع رابطه ضروری نشان می‌دهد.

۱۱) مهم‌ترین کتاب فلسفی ابن‌سینا کتاب «الهیات شفا» است.

۱۲) قبول غایت برای اشیا و پدیده‌های جهان وقتی امکان‌پذیر است که آن غایت قبل از پیدایش اشیا مشخص شده باشد تا اشیا متناسب با آن هدف و غایت، ساخته شده و پدید آمده باشند تا به سوی آن حرکت کنند و تکامل یابند.

۱۳) زیرا برخی از مردم از تمام اجزای یک علت آگاه نیستند؛ به عبارت دیگر علت ناقصه را علت تامه می‌پندارند.

۱۴) مجموعه عوامل ایجادکننده معلول را علت تامه می‌گویند. و هر یک به تنهایی را علت ناقصه می‌گویند.

۱۵) آن دسته از فلاسفه که علاوه بر لوازم اصل علیت به علت‌العلل معتقدند، می‌گویند هر فرآیند طبیعی هدف خاصی را تعقیب می‌کند و سرمنزلی تعیین شده دارد. اگرچه انسان‌ها به دلیل محدودیت‌های علمی نتوانند این اهداف را کشف کنند.

۱۶) ناقصه

۱۷) فردی که اصل سنخیت را انکار کند، نمی‌تواند اقدام به هیچ کاری کند؛ زیرا رابطه ضروری وجود ندارد. مثلاً برای رفع تشنگی آب می‌نوشد، ولی تشنگی‌اش شاید باقی بماند. همچنین نمی‌تواند نظم و هماهنگی‌ای را در جهان تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد. حتی در این صورت دانشمندان نمی‌توانند علل پدیده‌ها را کشف کنند؛ چون سنخیت و التزامی وجود ندارد. انکار این اصل هرج و مرج و بی‌اعتباری علوم را در پی دارد.

۱۸) در به وجود آمدن یک معلول، هر یک از عوامل، علت ناقصه هستند و مجموعه همه عوامل علت تامه است. مثلاً نوشتن روی کاغذ معلول عاملی چون وجود داشتن انسان، وجود قلم در دست، اندیشه کردن، اراده کردن و چندین عامل دیگر است. هر کدام را علت ناقصه و مجموع آنها را که موجب انجام شدن کار می‌شود، علت تامه می‌نامیم.

۱۹) معنای اول: میان علت و معلول رابطه حتمیت وجود ندارد و چه بسا با وجود علت باشد اما معلول پدید نیاید.

معنای دوم: از هر علتی هر معلولی پدید آید؛ یعنی سنخیتی میان علت و معلول برقرار نباشد.

معنای سوم: نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان؛ به این معنا که این حرکات و نظام‌ها به سمت غایت و هدف معینی پیش نمی‌روند.

۲۰)

الف) صحیح